

فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک

سال بیستم، شماره ۸۸، تابستان ۱۴۰۱

مقاله هفتم، از صفحه ۱۹۰ - ۱۷۳

## مقاله پژوهشی: امنیت در نظام سیاسی انقلاب اسلامی (مروری بر فلسفه سیاسی امنیت در مکتب امنیتی تهران)

[۲۰.۱۰۰۱.۱.۲۰۰۸۴۸۹۷.۱۴۰۱.۲۰.۸۸.۷.۵](https://doi.org/10.1001.1.20084897.1401.20.88.7.5)

مصطفی ایزدی<sup>۱</sup>

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲

### چکیده

در انقلاب اسلامی سیاست عین دیانت و مبتنی بر توحید و ولایت است. در فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی هرچند پیشرفت مادی مطلوب است اما به‌عنوان وسیله، اما هدف رشد و تعالی انسان و جامعه است. در این عرصه امنیت فردی و اجتماعی منبث از ایمان است، در حقیقت برای رسیدن به «امنیت» باید اسلام را حفظ کرد؛ بنابراین اگر انسان‌ها و جامعه اسلامی، ایمان اسلامی را با عدالت حفظ نماید از آرامش و امنیت برخوردار است. به عبارتی آنچه امنیت را تأمین می‌کند صرفاً مادی نیست بلکه بایستی به نیازهای معنوی فردی و اجتماعی توجه نمود، این نگاه در اساس متفاوت از دیدگاه اومانیزم است که در ایجاد امنیت مبنای تأمین نیازهای مادی انسان و اجتماع در جهت اعمال حاکمیت و کسب قدرت می‌باشد. هر یک از این دو رویکردها فلسفه سیاسی امنیتی متفاوتی دارند. در فلسفه سیاسی مکتب امنیتی تهران، امنیت واقعی که منطبق با فطرت انسانی است در دستگاه ولایت که منشأ آن توحید است، فراهم می‌گردد. در این تحقیق نحوه جمع‌آوری داده‌ها از روش مطالعه کتابخانه‌ای بوده و ادبیات تحقیق و مباحث نظری آن بر این اساس جمع‌آوری شده و با استفاده از روش تحلیل تفسیری و اسنادی از دیدگاه صاحب‌نظران حوزه فلسفه سیاسی امنیتی و سایر داده‌های کیفی با مراجعه به آیات قرآن، تفاسیر، احادیث و فرمایشات حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با استفاده و تحلیل محتوای کیفی مطالب مورد تجربه و تحلیل قرار گرفته و نتیجه‌گیری شده است.

**واژگان کلیدی:** نظام سیاسی جامعه اسلامی، فلسفه سیاسی امنیت، دستگاه ولایت، مکتب امنیتی تهران

### مقدمه

انقلاب اسلامی انفجار نور بود و بنیاد آن بر کلمه توحید استوار می‌باشد. در واقع زیربنای فلسفه اعتقادی و سیاسی انقلاب اسلامی بر پایه ایمان به کلمه لا اله الا... و اعمال آن در همه شئون زندگانی فردی و اجتماعی است. در فلسفه انقلاب اسلامی برخلاف سایر حرکت‌ها و نهضت‌های انسان بنیاد که اصولاً بر تأمین نیازهای مادی بشری برای تحقق اقتدار نظام و ستفالیایی بر مبنای اندیشه اومانیستی استوار است این حرکت در تداوم حرکت انبیاء و اوصیای الهی، سیری را طی می‌نماید که تضمین‌کننده سعادت دنیوی و تعالی اخروی (حیات بعد از مرگ) انسان‌ها و جوامع می‌باشد. هدف انقلاب اسلامی ایجاد جامعه متعالی‌ای است که زمینه‌ساز رشد و تعالی انسان می‌باشد، جامعه‌ای که اساس آن بر ایمان و خدا بنیاد باشد. این بنیانی است که متفاوت از جامعه مدنی مورد نظر مکتب لیبرالیسم می‌باشد و جهت‌گیری آن این‌گونه توسط رهبر انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) بیان می‌گردد: «هدف از همه مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد ... این بوده است که حیات طیبه را برای بشر به وجود آورند ... فلنحینه حیاة طیبه» به حیات طیبه یعنی زندگی گوارا و یک ملت آن‌وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می‌رود و به سمت هدف او حرکت می‌کند، این زندگی گواراست. فقط «دنیا نیست»، فقط هم «آخرت» نیست. (حدیث ولایت، ۱۳۹۸) برای رسیدن به «امنیت» باید اسلام را حفظ کرد. امنیت اجتماعی اساساً موهبتی است که اسلام به ما می‌دهد. اسلام زندگی طیبه انسان‌هاست که همه خیرات موردعلاقه انسان‌ها از جمله امنیت اجتماعی در آن وجود دارد. (همان، ۱۳۶۸)

مکتب امنیتی انقلاب اسلامی بر اساس مبانی توحیدی و انسان‌شناسی مبتنی بر آن می‌باشد، این مکتب قائل به این است که اگر انسان‌ها و جامعه اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل تعقیب کند از رفاه، آرامش، امنیت همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی و نورانیت و لذات روحی برخوردار خواهد شد. در این دیدگاه برای رسیدن به امنیت باید «اسلام» را حفظ کرد چراکه بر پایه ایمان، امنیت فردی و اجتماعی اساساً موهبتی است که اسلام به ارمغان می‌آورد و در زندگی طیبه انسان است که همه خیرات از جمله امنیت اجتماعی حاصل می‌گردد.

وقوف بر «مرجع امنیت» یکی از مسائل اصلی ایجاد امنیت پایدار می‌باشد، علاوه بر این دو نکته کلیدی و مهم در این ارتباط وجود دارد، نخست اینکه چه کسی امنیت را تدارک می‌بیند؟ و برای تدارک امنیت از چه شیوه‌هایی می‌توان بهره جست؟ (تری تریف، ۱۳۸۳: ۱۲) در مکتب اسلام فلسفه انسانی دین در ایجاد امنیت، «ایمان» در فرد و اجتماع و در حقیقت فراهم نمودن شرایطی است که با وضع عوامل ایجابی و رفع موانع مخل حرکت توحیدی انسان متعالی، در جامعه پیشرفته شرایط صیوروت به سوی ... را فراهم آورد. در این جامعه عقیده استوار بر کلمه لا اله الا ... و خداوند امنیت آفرین، محور توحیدی امنیت بخش آن است. در این دیدگاه مؤمن کسی است که به تو امنیت بدهد و تو را در امان خود حفظ نماید. (المیزان: تفسیر آیه ۲۳ سوره مبارکه مزمل) در این مقاله نگارنده با استفاده از روش تحلیل محتوی متون با تکیه بر مکتب انقلاب اسلامی در پیوند با منطق روش‌شناختی که حاکم بر متون مکتبی می‌باشد و با بهره‌گیری از ادبیات قرآنی و سیره و سنت نبوی و ائمه هدی به دنبال این است تا نشان دهد "بر اساس اصول و مبانی اسلام ناب محمدی حکمرانی امنیتی که بر مبنای جهان‌بینی توحیدی بنانهاده شده و متفاوت از مکاتب امنیتی متأثر از اومانیسیم می‌باشد از چه فلسفه سیاسی در حکمرانی امنیتی برخوردار است؟"

## مبانی نظری

### نگرش به جامعه در فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی

اساس ادیان الهی توحید است که در تمام شئون وجودی زندگی دنیوی و اخروی انسان محوریت داشته و جهان هستی قائم به آن است. کلمه‌ای که اگر انسان‌ها و جوامع انسانی بدان واقف شوند و نسبت به پیاده‌سازی آن اهتمام نمایند، کلید سعادت دنیوی و اخروی را یافته و به خورشید نوربخش حیات طیبه و مایه پایداری نیل پیدا کرده‌اند. (فولادند، ۱۳۸۰: ۴۰۷).

بنا بر نگرش اسلام ناب محمدی، مبنای منطبق بر حقیقت در شکل‌گیری اجتماع و مدن، عدالت اجتماعی است. تحقق این امر مبتنی بر فلسفه شکل‌گیری یک نهضت مکتبی و ایجاد جامعه و تمدن و حکومت بر اساس آن می‌باشد. در واقع اعتباریات اجتماعی و نتایج حاصل از آن به زیربنای حرکتی آن جامعه و ایدئولوژی حاکم بر آن و مقصودی که این مکتب طی می‌کند، مرتبط می‌باشد. بر این اساس علامه طباطبایی (رحمت‌الله علیه) نتیجه مطالعات خود در مورد اعتباریات را درباره حقایق تعمیم داده‌اند و حقایق را مانند اعتباریات، مفاهیمی نسبی و متغیر و تابع احتیاجات طبیعی پنداشته‌اند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۶: ۳۷۴). ایشان اعتباریات را به دو بخش پیش از اجتماع و

اعتباریات پس از اجتماع (اعتباریات عمومی و عمدتاً ثابت، اعتباریات خصوصی متغیر) تقسیم‌بندی می‌کند، اعتباریات اجتماعی در اساس متغیر و در معرض تحول و دگرگونی است و در حقیقت نوعی سیر تکاملی را طی می‌کند. «از جمله اعتباریات پس از اجتماع، سه اصل استخدام، اجتماع و عدالت است. انسان با هدایت طبیعت و تکوین پیوسته از همه، سود خود را می‌خواهد (اعتبار استخدام) و برای سود خود، سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد، در این تحلیل فلسفی، اعتبار اجتماع و زندگی اجتماعی، از نظر هستی‌شناختی، به اعتبار استخدام منتهی شده و زندگی اجتماعی بر قرارداد ضمنی و عملی مبتنی گردیده است که همانا سود و منفعت و مصلحت همگانی و ظرفیتی مبتنی بر عدالت اجتماعی است. در واقع عدالت اجتماعی خود به سودرسانی متقابل و استخدام طرفین تعریف شده است» (همان: ۴۴۱ - ۴۳۸) اما این روند فطری در فرایند تاریخی زندگانی بشر مخدوش شده و استخدام متقابل به یک‌طرفه تبدیل و جوامع بشری مسیری در خلاف تراز عدالت طی نموده است. لذا «این صورت از زندگی را به‌طور حقیقی نمی‌توان اجتماع نامید، بلکه همان استخدام مذموم و استبدادی است» (همان: ۴۴۲)

دستورات اسلام ضمن اینکه تضمین‌کننده زندگانی سعادت‌مندان همراه با فراوانی این دنیا است، انسان را متوجه یک نقطه کانونی (توحید) می‌کند و بر این بنیان بایستی جامعه و نظام‌های حاکم بر آن شکل بگیرد. استاد شهید مطهری در این باب چنین مسیر تکاملی فرد و جامعه را شرح فرموده‌اند: انسانیت انسان چه در فرد و چه جامعه به هر نسبت تکامل پیدا کند به‌سوی استقلال و حاکمیت بر سایر جنبه‌ها گام برمی‌دارد. (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۷) یک فرد انسانی تکامل‌یافته فردی است که بر محیط بیرونی و درونی خود تسلط نسبی دارد. فرد تکامل‌یافته یعنی وارسته از محکومیت محیط بیرونی و درونی و وابسته به عقیده و ایمان (همان: ۱۸) تکامل جامعه نیز عیناً بهمان صورت رخ می‌دهد که تکامل روح در دامن جسم و تکامل انسانیت «فرد» در دامن حیوانیت او صورت می‌گیرد (همان: ۷). جنبه انسانی انسان به علت اصلتش همراه و بلکه مقدم بر تکامل ابزارهای تولیدی‌اش تکامل‌یافته و بر اثر تکامل، تدریجاً از وابستگی‌اش و تأثیر پذیرش از محیط طبیعی و اجتماعی کاسته و بر وارستگی‌اش که مساوی است با وابستگی به عقیده و آرمان و مسلک و ایدئولوژی و نیز تأثیر بخشش بر روی محیط طبیعی و اجتماعی افزوده است. (همان: ۱۹) این واقعیت اصیل انسانیت انسان است که به حرکت خود ادامه می‌دهد و ابزار توحید را

همراه سایر شئون دیگر زندگی متکامل می‌کند و انسانیت انسان به‌مانند ابزاری توجیه‌کننده نظام توحیدی و تحول و تغییر می‌پذیرد. (همان: ۲۱)

### نگرش در فلسفه سیاسی اومانیستی به فرد و جامعه

در مقابل این تفکر، به‌صورت اخص تفکر اومانیستی که به‌جای خدا بنیانی، انسان بنیانی را مبنا قرار داده است، قرار دارد. مکاتب منبعث از این دیدگاه از جمله رئالیسم و لیبرالیسم برمبنای این تفکر به دنبال سازوکارهای موردنیاز برای ایجاد امنیت برای اعمال حاکمیت و قدرت دولت‌های حاصله از پیمان وستفاليا که اساس و شالوده آن بر دولت - ملت بنیان نهاده شده است می‌باشد. مکتب رئالیسم در این راستا به مواردی نظیر سرشت بد انسان، دولت‌محوری (State centeric)، آناارشی بودن نظام بین‌الملل، تعارض‌آمیز بودن نظام بین‌الملل و نقش محوری قدرت خلاصه نمود (Morgenthau, 1985, Schweller, 1997, Watz, 1979). نحله‌های مرتبط با این مکتب مانند نئورئالیسم والتری نیز دولت را به‌عنوان کنشگر اصلی و عقلایی نظام بین‌الملل، اهمیت توانمندی برای دولت و اهمیت قدرت در وابستگی متقابل مدنظر قرار داده و بر آن تأکید می‌نمایند (Keohane Nye, 1977). مکتب لیبرالیسم در عمل نیز به دنبال اعمال قدرت در جهت تأمین منافع مادی موردنظر است. نظریات این مکتب بر تفکیک حوزه‌های خصوصی و عمومی یا فرد و جامعه و اولویت و اصالت فرد بر جمع (اومانیسم) و تحدید قدرت دولت در مقابل حقوق فرد در جامعه می‌باشد (Morgan, 2009: 35)؛ و رئالیست‌ها بر محدودیت‌های موجود در زندگی و آرمان‌گرایان بر فرصت‌های موجود تأکید می‌نمایند (Nicholson, 1998: 65). یکی از مهم‌ترین مفروضات نظریات لیبرالیستی، نقش کارگزاری بشر به‌عنوان موجوداتی عقلایی در ایجاد تغییر و هماهنگی منافع دولت است. (خسروی، ۱۳۹۱: ۴۵) نظریه «صلح دموکراتیک» ماهیت مکتب لیبرالیسم را بهتر نمایان می‌کند، در این رابطه دویل سه فرض را مطرح می‌کند. دموکراسی‌ها باهم نمی‌جنگند، اما لزوماً صلح طلب نیستند و با دولت‌های غیر لیبرال وارد جنگ می‌شوند و اینکه امکان گسترش «منطقه صلح» میان دموکراسی‌ها وجود دارد. (Doyle, 1986) این‌ها همه نشانه‌هایی از ماهیت کاپیتالیسم است که برمبنای اندیشه اومانیسم و داروینیسم اجتماعی در جهان معاصر به استعمار فرا نو و استثمار کشورهای زیر سلطه مشغول بوده و برای مشروعیت بخشی به آن چنین تئوری پردازی می‌کند. در مطالعات امنیتی انتقادی، با اتکا بر این باور مشترک که «تغییر امکان‌پذیر است» (Buzan, 1998: 5-24)، با اهدافی متمرکز از رهایی انسان از هر قیدی

(Multimer, 2009: 86)، بر پایه مبانی تئوریک خود، آزادی انسان از قیود را به‌عنوان امنیت معنی می‌کند که همان نگاه به انسان با بنیاد مادی است. الکساندرونت به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین نظریه‌پردازان سازه‌انگاری در مکتب لیبرالیسم در این راستا اعتقاد دارد، هویت‌ها منافع را شکل می‌دهند و منافع سرچشمه رفتار از سوی دولت‌ها می‌شوند (Wendlt, 1999) و بدین ترتیب برخورد خصمانه دولت‌های لیبرال را با دولت‌های زیر سلطه و انقلابی تبیین می‌کنند. لذا هرچند در مکاتب مختلف به جنبه‌های فردی و اجتماعی موضوع پرداخته شده و به اعتقاد مک سووینی به‌گونه‌ای معمول‌های متعددی را اعم از افراد و دولت‌ها را شامل می‌شود. (Mcsweeney, 1999)، اما نگاه فردگرایانه و تمرکز به سازوکارهای اعمال قدرت توسط دولت‌ها از جلوه‌های برجسته مکاتب منبعث از اومانیسیم و داروینیسیم اجتماعی است. این چنین معرفت پوزیتیویستی برای چند قرن به سبب طرح جهان مدرن و ظواهر آن، انسان‌ها را حیرت‌زده ساخت و از فطرت حق‌جوی‌شان خارج نمود و همین حیرانی او را از تأسی به معرفت‌جویی حقیقی بازداشت. تفکری که موجب ایجاد بحران هویت و امنیت حقیقی گردیده است و دوران جدیدی از معنویت شروع گردیده است تا جایی که متفکر غربی: میشل فوکو پس از ۴ بار بازدید از ایران اسلامی می‌گوید «ایران دارد معنویت را وارد سیاست می‌کند و نظامات بین‌الملل را عوض می‌کند»، یوکوهاما در ارائه نظریه پایان تاریخ و تسلط لیبرالیسم تجدیدنظر می‌کند و افول این تفکر را مطرح می‌کند. به‌نحوی که با توجه به شرایط و قرائن باید گفته شود در جنگ تمدن‌های هاتینگتون این تمدن منبعث از اومانیسیم است که شکست‌خورده است. در اندیشه نظام سلطه غرب با محوریت امریکا تصویری که برای قرن بیست و یکم ترسیم نموده عبارت است از قرن نزدیک شدن شتاب‌دار قاره‌ها به یکدیگر به‌نحوی که همه شهروندان عالم در سه خصوصیت زیر مشترک باشند:

- ۱ - از یک ساخت یکپارچه ذهنی در عالم (بر اساس تفکر محوری غرب یعنی لیبرالیسم) برخوردار باشند و بر این نکته تأکید دارند که ما باید آمریکایی‌های غیر آمریکایی بسازیم.
- ۲ - مصرف‌کننده کالاهای یکسان باشند که از لحاظ معیشت در قبضه آن‌ها باشند و جهان تبدیل شود به دو قطب مصرف‌کننده و تولید کنند.
- ۳ - داشتن اطلاعات یکسان در آن‌واحد؛ یعنی اینکه از منظر شناختی ذهنیت آن‌ها را بسازند. بدین ترتیب با تعمیم حاکمیت خود در جهان نسبت به توسعه اقتدار و استثمار انسان‌ها و استعمار فرانو

به پیش روند. امنیت در این منظر یعنی ایجاد قید برای انسان‌ها و جامعه در جهت تأمین منافع شیطانی مترفین، همان مسیری که در طول تاریخ، طاغوتیان به دنبال آن بوده‌اند. پرواضح است که چنین تفکری و چنین حکمروایی‌ای تضمین‌کننده امنیت فردی و اجتماعی آرامش‌بخش و رشد دهنده و عدالت‌گستر نمی‌باشد بلکه همان‌گونه که در عمل شاهد هستیم ضد آن است.

### ضرورت حکمرانی در فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی

سرشت انسانی که وجود اجتماع را به صورت نهادینه مورد توجه و طلب قرار می‌دهد و اجتماعی که تغییر و تحول در آن مبتنی بر تغییر آحاد آن جامعه است یکی از الزامات حیات بشری است. وجود چنین واقعیتی است که خداوند ضرورت وجود راهبران هدایت بشری را در قرآن کریم مورد تأکید قرار داده است. شکل‌گیری جوامع و تمدن‌ها و سقوط و فروپاشی آن‌ها از قانون‌مندی الهی تبعیت می‌کند و هر جامعه و تمدن دارای یک دوره عمل معین و سرانجامی است که همچون حیات انسانی قابل مدیریت است (اعراف - ۳۴).

آنچه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه هدی و سایر انبیاء عظام در تاریخ خون‌بار جبهه حق مجاهدت فرموده‌اند و رنج‌ها تحمل کرده‌اند برای ایجاد جامعه توحیدی و ساختن انسان الهی در آن (جامعه)، جهت طی سیر فلاح و رستگاری بوده است. جامعه‌ای مشحون از معنویت، عقلانیت و عدالت که زمینه‌ساز تعالی و کمال انسانی است. نکته مهمی که می‌توان از این سیر دریافت کرد ضرورت تلاش برای ایجاد نهادهای استوار و برقراری امنیت عمومی و تأمین معاش و فراهم نمودن شرایط برای رشد انسان و ساختن انسان الهی است.

کار سترگی که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با اعلام رسالت و دعوت به توحید در مکه مکرمه و با ایجاد نظامی اسلامی در مدینه منوره به انجام رساند تا هدف بعثت خویش را که تکمیل مکارم اخلاق است «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» «پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)» به‌راستی که من برای کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام (مجمع‌البیان طبرسی، ج ۱۰: ۸۶) تحقق بخشید. برای نیل به این مهم هم امت مورد توجه است و هم آحاد جامعه.

آنچه در سیر اجمالی فوق از قرآن و عترت ارائه گردید بیان‌گر این حقیقت است که قرآن شریف و سیره نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه هدی متوجه هدایت فرد و جامعه است. جامعه‌ای که خود دارای هویت بود و مرکب حقیقی با جوهره فرهنگی است، جامعه‌ای که دارای حیات و ممت

است و برای آن به فرمایش قرآن کریم سرانجامی به مانند انسان‌ها تعیین گردیده است (اسراء-۱۶). در این جوامع هدفی که از سوی خداوند سبحان دنبال می‌گردد، ایجاد امنیت و شرایط لازم برای تعالی و رشد انسانی بر مبنای عدل است (آل عمران-۱۳۷)

### مبانی فلسفه سیاسی امنیت در نظام سیاسی انقلاب اسلامی

در مکتب انقلاب اسلامی نیل به امنیت با ایمان به توحید به عنوان جوهر زندگی دنیایی و اخروی انسان‌ها و جوامع مطرح می‌گردد. این اندیشه منطبق با فطرت حق جوی انسانی است و کاملاً متفاوت از نگاه مکاتب غیر الهی به مقوله امنیت است. در این مکاتب اصالت مبتنی بر نگاه انسان بنیاد که در آن صرفاً به نیازهای مادی و این دنیایی بشر توجه دارد می‌باشد و محوریت آن بر اساس اندیشه وستفالیایی (دولت - ملت) برای استحکام قدرت حکمرانان بر مبنای داروینسم اجتماعی، در جوامع مبتنی بر این اندیشه است. در این دیدگاه امنیت به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد شرایط جهت بهره‌کشی بیشتر و بهتر از انسان‌ها مطرح است و در این اندیشه است که چگونه می‌توان شرایط اجتماعی مناسب را برای اعمال ایدئولوژی حاکمیت در راستای توسعه قدرت ایجاد کرد. در صورتی که در نگاه توحید محور و خدا بنیاد و در ایمان به مسیر فطرت و توحید برای اعمال عدالت، امنیت موضوعیت می‌یابد. پرواضح است که امنیت در انواع نظام‌های اداره‌کننده جوامع بشری به عنوان یک رکن موضوعیت دارد. در این باب بر مبنای جهان بینی اومانیستی و مکاتب حاصل از آن مانند لیبرالیسم، مارکسیسم و ... نظریه‌های گوناگونی که همه منبعث از این نگاه می‌باشد، ارائه شده است. در این تفکر در اساس امنیت برای تأمین شرایط برای بهره‌کشی و اعمال قدرت مادی است (بحث مبسوط آن در مقاله انقلاب اسلامی و امنیت «مروری به مبانی نظری مکتب امنیتی تهران» از همین نگارنده آمده است)، در واقع مرجع امنیت در این نگاه فقط ایدئولوژی لیبرالیستی و دولت‌های برآمد از آن است. اما در نظامی که بر اساس اسلام ناب محمدی در انقلاب اسلامی دنبال می‌گردد جوهره امنیت که از الزامات این نظام است در ایمان و آلوده نمودن آن به ظلم (عدالت) ارائه شده است.

### روش‌شناسی

دستیابی به هدف‌های علم یا شناخت علمی میسر نخواهد شد مگر زمانی که با روش‌شناسی مناسب و صحیح صورت گیرد، به عبارت دیگر روش و ابزاری که محقق در انجام پژوهش خود در پیش گرفته است یکی از مشخصه‌هایی است که تعیین‌کننده اعتبار و ارزش یک کار تحقیقاتی است.



تحقیقات از نظر هدف به سه دسته تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی تقسیم می‌شوند. تحقیقات بنیادی اگرچه ممکن است کاربرد عملی نیز داشته باشد ولی هدف عمده و اساسی آن افزایش حیطه دانش و آگاهی است، همچنین یافته‌های تحقیق کاربردی به میزان زیادی قائم به زمان و مکان هستند، در صورتی که این ملاک در تحقیق بنیادی صادق نیست، هدف تحقیق بنیادی یافتن کلیت و عمومیت یک نظریه مبنی بر قبول و رد آن است (دلاور، ۱۳۸۱: ۵۰-۴۹) در تحقیقات بنیادی روش‌های استدلالی گوناگونی به کارگیری می‌شود از جمله روش استدلال قیاسی، در این روش از یک قانون عمومی و کلی برای توصیف و پیش‌بینی و تبیین پدیده‌های جزئی استفاده می‌کنند، استدلال قیاسی بر مبنای پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده که از باورهای اجتماعی، ماوراءالطبیعه، عرف و باورهای اخلاقی نشئت می‌گیرد انجام می‌شود. (همان) در همین زمینه شورای پژوهش‌های علمی کشور نیز تحقیقات بنیادی را فعالیتی نظری یا تجربی که به منظور کسب دانش جدید (درک مفهومی جدید از یک موضوع) در مورد مبانی زیر بنایی یک پدیده و واقعیت قابل مشاهده بدون آنکه استفاده خاصی از آن مدنظر باشد صورت می‌گیرد تعریف نموده است. با توجه به مطالب مطرح شده فوق می‌توان گفت تحقیق حاضر از نوع تحقیق بنیادی و نظری بوده که با به کارگیری روش استدلال قیاسی و رویکرد کیفی صورت گرفته و روش مورد بهره‌برداری در این تحقیق استنادی و استنباطی با تحلیل محتوای متون با تکیه بر اصول و مبانی پابرجای اسلام ناب محمدی می‌باشد. قلمرو تحقیق نیز به سه بخش قلمرو زمانی، مکانی و موضوعی تقسیم می‌شود در این تحقیق قلمرو موضوعی مربوط به موضوع امنیت می‌باشد و قلمرو مکانی آن مربوط به حوزه نفوذ انقلاب اسلامی بوده و قلمرو زمانی آن نیز از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ناب محمدی (صلی... علیه و آله و سلم) تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات از روش مطالعه کتابخانه‌ای بوده و ادبیات تحقیق و مباحث نظری آن بر این اساس جمع‌آوری شده است.

تجزیه و تحلیل عبارت از روشی است که از طریق آن کل فرایند پژوهشی از انتخاب مسئله تا دسترسی به یک نتیجه هدایت می‌شود (دلاور، ۱۳۸۱: ۲۱۸-۲۱۷). در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل تفسیری اسنادی و سایر داده‌های کیفی با مراجعه به آیات قرآن، تفاسیر، احادیث، فرمایشات حضرات امام خمینی (رحمت... علیه) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و ادبیات تحقیق و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

انقلاب اسلامی به فرمایش حضرت امام خمینی (رحمت... علیه) انفجار نور بود و در راستای فلاح انسان‌ها توانست ابر نظامی جمعی مبتنی بر عدالت و برابری حکومت‌ها و تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌الملل را رقم زند و با احیای ظرفیت‌ها و امکانات فراموش شده ملت‌های غیر متعهد و نفی انفعال و مرعوبیت در برابر استکبار، درصدد قطع ریشه‌های وابستگی ملت‌ها به قدرت‌های بزرگ و درافکندن طرحی نو بر آمد. امام راحل (رحمت... علیه) مسئله اساسی انقلاب اسلامی ملت ایران را نه تغییر رژیم سلطنتی بلکه نشر توحید در عالم می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۴۲) درحالی‌که دیدگاه‌های اندیشمندان غرب و مکاتب غربی کاملاً با این دیدگاه متفاوت است به‌عنوان مثال مکتب امنیتی رئالیست‌ها که به لحاظ انسان‌شناسی از هابز متأثر است، معتقد است اصل در این جهان ناامنی است و دولت‌ها باید تلاش کنند ناامنی را مدیریت کنند (افتخاری، ۱۳۸۱). این مکتب، قدرت را تولیدکننده و نگهدارنده امنیت می‌داند. از نظر این مکتب، دولت مرجع اصلی امنیت است و بر اساس نظریه تنازع بقا (داروین‌یسم اجتماعی)، دولت‌های قوی‌تر از امنیت بیشتری برخوردار خواهند بود. این در حالی است که مکتب امنیتی ایده‌آلیست‌ها که به لحاظ انسان‌شناسی از کانت متأثر است و انسان را موجود و عاقل و نیک‌اندیش می‌داند، معتقد است اصل در این جهان بر صلح و امنیت است و انسان‌ها همان‌طور که توانسته‌اند برده‌داری را ریشه‌کن کنند، می‌توانند جنگ و ناامنی را نیز از بین ببرند. از نظر این مکتب، مرجع امنیت فرد است. ناسیونالیسم، دولت‌های ملی و اساساً در طلب منافع ملی بودن، ریشه ناامنی است و تشکیل دولت جهانی، راه‌حل اصلی تأمین امنیت جهانی است. (افتخاری، ۱۳۸۱) البته تحقق این امنیت را اساساً در دموکراسی‌های مبتنی بر جهان بینی اومانستی می‌داند که در آن هدف ایجاد شرایط متناسب برای اعمال قدرت بر اساس نگرش انسان بنیاد و تأمین نیازهای جامعه و آحاد آن برای تسهیل حکمرانی بر مبنای این مکتب است. اما از منظر حضرت امام خمینی (رحمت... علیه) امنیت دارای چنین ابعادی است: عباداتی که انبیاء (علیهم‌السلام) آورده‌اند و ما را به آن دعوت کرده‌اند؛ مثل نماز و حج، این‌ها نسخه‌هایی هستند از طبیب‌های واقعی که آمدند ما را برسانند به یک مرتبه کمالی که وقتی که نفوس ما از این عالم طبیعت بیرون رفت آنجا هم با یک ترتیب صحیح رفته باشد و یک زندگی کاملاً سعادت‌مند داشته باشیم، یعنی امنیت ابدی انسان در نظر است. (امام خمینی (رحمت... علیه)، صحیفه

امام، ج ۴: ۱۷۷) در همین راستا حضرت امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «کسی را که آگاه شوم بر یکی از صفات خوب استوار است، بپذیرم و از ندانستن صفات دیگرش بگذرم، ولی از نداشتن عقل و دین چشم نمی‌پوشم، زیرا جدایی از دین، جدایی از امنیت است و زندگی با هراس گوارا نباشد و فقدان عقل، فقدان زندگی است، زیرا بی‌خردان با مردگان مقایسه می‌شوند و بس» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۸ - ۲۷). از منظر ادیان توحیدی که تبلور حقیقی آن در اسلام ناب و مکتب ولایت است انسان در تراز قرآن و عامل بدان، در امنیت کامل است.

قیام لله و حرکت و تفکر در این راه به فرمایش امام علی (علیه‌السلام) حکمت را به ارمغان می‌آورد و حکمت و ایجاد اُلب و هوشمندی در انسان او را به حقیقت ولایت الهی رهنمون می‌کند. امام خمینی (رحمت الله علیه)، پیروزی انبیای الهی را ناشی از عمل به این موعظه دانسته است حرکتی که هم جامعه را هدف قرار می‌دهد و هم اینکه به درون انسان می‌پردازد. (امام خمینی (رحمت الله علیه)، صحیفه امام، ج ۱: ۲۳) قرآن شریف در این راستا به قیام برای خدا مبتنی بر تفکر تأکید می‌فرماید و مسیر رشد را چنین ترسیم می‌نماید «قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فردی ثم تفکروا» ای پیامبر بگو من به شما یک اندرز می‌دهم که دوبه‌دو (جمعی) و تنهایی (فردی) برای خدا به پا خیزید و سپس تفکر کنید (سباء - ۴۶) انسان در تفکر به حقیقت رشد که همان اعتصام به ولایت الهی در زندگی فردی و اجتماعی است، می‌رسد، حقیقتی که از متن قرآن و حدیث مستفاد می‌گردد.

در حقیقت ولایت تضمین تحقق دین و ایمان به حقیقت و طی طریق آسایش در دنیا و فلاح در آخرت است. آری قیام لله و مجاهدت در این مسیر و اندیشه در آن انسان را به توحید و ولایت می‌رساند همان‌گونه که حضرت ابراهیم خلیل... (علیه‌السلام) را قهرمان توحید و مظهر بت‌شکنی تاریخ نمود، بنابراین سرشت مسیر تعالی انسان حرکت و قیام برای نیل به ایمان فردی و اجتماعی نهفته است و در این مسیر فرد و جامعه به حقیقت ولایت الهی که زیربنا و اساس ایمان که تضمین‌کننده امنیت واقعی است نیل پیدا می‌کند.

به عبارتی امنیت واقعی در تحت قیادت ولایت که منطبق با قاموس خلقت است حاصل می‌گردد و موجب اعتصام به حبل الهی و وحدت در طریق توحید است. در واقع کسانی قابلیت و ظرفیت هدایت انسان‌ها و جوامع را دارند و می‌توانند تولیدکننده واقعی امنیت باشند که از صفات و شرایط الهی و توحیدی برخوردار باشند و این در دستگاه ولایت و پذیرش فردی و اجتماعی آن

موضوعیت می‌یابد، بنابراین فلسفه سیاسی امنیت وصول به حقیقت و انقیاد به طریق سعادت یعنی سلوک زندگی فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی در مسیر ولایت است. انبیای الهی و ائمه هدی و ره پویان صدیق ایشان که آراسته به جنود عقل و دارای صفات متقین‌اند از زمره این کارگزاران هستند، ... انبیای الهی، ائمه معصومین، فقهای جامع‌الشرایط و مؤمنان آراسته به جنود عقل و صفات مطمئن، از زمره این کارگزاران هستند. (لک‌زایی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین در تحقق امنیت که مبتنی بر فطرت حق‌جوی انسان‌هاست بایستی به شاکله‌ای پرداخت که شالوده آن مبتنی بر توحید و ولایت باشد. آنچه از یک نظام حکومتی ساطع می‌گردد بر مبنای زیربنای فکری آن است که در نظام حکومتی اسلام ناب محمدی توحید و ولایت است و در نظام‌های سامان‌یافته بر اساس جهان‌بینی اومانیستی انسان‌بنیادی (مادی) و اعمال قدرت بر این مبنای استوار است، بنابراین امنیت خدا بنیان تنها در نظامی ولایی مبتنی بر ایمان و عدالت محقق می‌گردد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در جهان‌بینی توحیدی و حرکت حیات‌بخش پیامبران و پیام‌آوران الهی چون حضرت ابراهیم خلیل... (علیه‌السلام)، حضرت سلیمان نبی (علیه‌السلام)، حضرت داوود (علیه‌السلام)، حضرت موسی (علیه‌السلام) و حضرت عیسی (علیه‌السلام) و ... پیامبر رحمت حضرت محمد بن عبدالمطلب (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه هدی (علیهم‌السلام) تمامی تلاش‌ها در جهت‌اعلای کلمه لا اله الا الله بوده و هست. در قبال این حرکت پر معنای انبیاء الهی نظام معنایی منبعث از اندیشه اومانیستی ناکارآمد و ناتوان در تشریح نظام تمدنی اسلام ناب و مفاهیمی چون توحید، ایمان، اسلام، نبوت، امامت و ولایت که معنا بخش، قوام‌بخش و هویت‌بخش به افراد و جامعه مورد نظر در مکتب اسلام می‌باشد. در صورتی که مفاهیمی چون جامعه مدنی، شهروندی، حقوق بشر، دولت، ملت، دموکراسی، قرارداد اجتماعی و ... معنا بخش به جامعه غربی برای قوام حاکمیت‌های مبتنی بر قدرت‌طلبی با بهره‌کشی از انسان‌ها است. پرواضح است اگر یک جمع انسانی و جامعه بخواهد بر وجوه متمایز خود از جوامع دیگر تأکید کند باید خود به تعریف مفاهیم کلیدی مربوط به خودش اهتمام نماید، چراکه هر یک از این مکاتب منبعث از جهان‌بینی، فرهنگ و آموزه‌های این مکتب است.

ایجاد حاکمیت مبتنی بر توحید، در اداره جامعه و ایجاد نظام سیاسی و برقراری امنیت ابدی در پرتو آن که یکی از فرازهای درخشان حکومت نبوی و علوی در تاریخ بشر است و نمادی برجسته از حکمرانی اسلامی و فلسفه سیاسی امنیت در آن است. فرصت کوتاهی که نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله

و سلم) و امام موحدان، امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) برای اعتلای کلمه لا اله الا ... و برقراری عدالت، سکان دار حکومت بر مسلمین گردیدند. در نظام مطلوب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) آنچه از محوریت برخوردار است «اعتلای دین و ایمان، اصلاح بلاد، عدالت و امنیت» می باشد. حضرت امام علی (علیه السلام) از جمله هدف های حکومت خویش را ضمن قرائت خطبه ای پیش روی مردم و در مناجات با خداوند تبارک و تعالی چنین معرفی می فرمایند: «خدایا! تو می دانی آنچه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت. بلکه می خواستیم نشانه های دین را به جایی که بود بنشانیم و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانیم تا بندگان ستم دیده را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده ات اجرا گردد.» (نهج- البلاغه، خطبه ۱۳۱) به این ترتیب معلوم می شود که امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) اعتلای ایمان، اصلاح شهرها و اعمال عدالت و حفظ امنیت ستم دیدگان را از اهداف دوران زمامداری خود به شمار می آورند.

در این راستا تفکر دینی که از ایمان به خداوند هستی بخش نشئت می گیرد، در واقع نوعی سازگاری روحی، روانی و ذهنی بین انسان با مالک هستی به وجود می آورد و چون این ارتباط مستحکم بین انسان و خدا برقرار می گردد، انسان را در مسیری منطقی و هدفمند قرار می دهد که متضمن حرکتی تعالی بخش در نهاد فرد و اجتماع می گردد. حرکتی که ذاتاً امنیت بخش است نکته حائز اهمیت این است که آنچه در آموزه های پیامبر اکرم و سیره عملی ره پویان صدیق آن حضرت، یعنی ائمه هدی (علیهم السلام) ملاحظه می گردد، توجه به امنیت با رویکرد الهی آن است که جهت دهنده انسان ها در مسیر ایمان که به صورت حقیقی امنیت زا است می باشد. ایمان از ریشه امن می باشد و قرآن کریم به امنیت اهمیت به سزایی داده و به صورت ملموسی بیشترین نقش و رسالت را به امنیت روحی و معنوی انسان ها داده است؛ اما با رویکردی توحیدی این مکتب الهی به ایمنی عمومی، سرزمین و امنیت جان و مال و حیثیت افراد در جامعه و امنیت بین الملل نیز توجه وافر نموده است. بر مبنای این نگرش برای نیل به امنیت همه جانبه پایدار عوامل تأمین کننده این امنیت نیز باید بر اساس ایمان هویت یابند. در این نگاه، امنیت از متن ایمان در فرد و اجتماع موضوعیت می یابد و به عبارتی ایمان هم هدف است و هم مرجع و بر این اساس در نظام مبتنی بر مکتب اسلام ناب سامانه های بهره ور از امنیت و متولیان برقراری امنیت در جنبه های نرم و نیمه سخت و سخت

- بایستی بر این اساس سامان‌یافته و بنای انجام رسالت خویش را ایمان اسلامی و پیشرفت آن در فرد و اجتماع بدانند و نسبت به مقابله با تهدیدات و رفع آسیب‌ها اهتمام نمایند.
- بنابراین امنیت خدا بنیاد از لحاظ نظری دارای مبانی زیر است:
- ۱ - هر امنیتی مطلوب و کارساز نیست، بلکه امنیت در پرتو ایمان به ا... که مبتنی بر فطرت انسانی است، آرامش‌بخش است.
  - ۲ - جوهر امنیت ایمان است و مرجع امنیت هم ایمان است.
  - ۳ - شیاطین (درونی و برونی) و کفار و منافقین اضرار ایمان فردی و اجتماعی اند و تهدیدکننده آن هستند.
  - ۴ - امنیت ابدی انسان (دنیوی و اخروی) در مکتب انقلاب اسلامی موضوعیت دارد.
  - ۵ - انسان در تراز قرآن و عامل بدان در امنیت کامل است.
  - ۶ - در ایمان و عمل صالح، امنیت واقعی، تعالی فردی و اجتماعی و فراوانی حاصل می‌گردد که زمینه‌ساز سیر ملکوتی انسان و اجتماع است.
  - ۷ - کفران نعمت و روی‌گردانی از مسیر هدایت الهی موجب ناامنی و فقر می‌گردد.
  - ۸ - فلسفه سیاسی امنیت در هر نظام منبعث از اصول و مبانی مرتبط به جهان‌بینی آن نظام است.
- بر این اساس فلسفه سیاسی امنیت در مکتب امنیتی تهران دارای مختصات زیر است:
- ۱ - قیام در راه توحید که بر اساس حرکت فردی و اجتماعی است با تفکر و بهره‌گیری از ظرفیت‌های وجودی انسان او را متوجه قاموس خلقت و حاکمیت دستگاه ولایت در همه شئون هستی می‌نماید. به عبارتی اساس حکمرانی امنیتی بر دستگاه ولایت استوار است.
  - ۲ - امنیت در اسلام ناب محمدی تحت قیادت توحید و ولایت که منطبق با حقیقت هستی است، دارای هویت می‌باشد. به عبارتی اوج امنیت نیل به اسلام است.
  - ۳ - غایت انسان، نیل به شرف خلیفه الهی است، این ظرفیت والا در امنیت شکوفا می‌گردد.
  - ۴ - فرد و جامعه ایمانی، در مسیر امنیت و پیشرفت واقعی قرار می‌گیرد و انسان در تراز قرآن و عامل بدان مشروط به عدم گرایش به ظلم و طی طریق عدالت در امنیت کامل است.
  - ۵ - رهبران الهی آمده‌اند تا راهبر انسان و جوامع برای نیل به امنیت ایمان بنیاد واقعی باشند.
  - ۶ - امنیتی که بر اساس نیازهای مادی و تثبیت قدرت و حاکمیت بر این اساس باشد در حقیقت زندگی با تهدید و هراس است که گوارا نمی‌باشد.

- ۷ - امنیت واقعی که منطبق با فطرت انسانی است در دستگاه ولایت که منشأ آن توحید احدی و صمدی است، فراهم می‌گردد.
- ۸ - انسان و اجتماع و نظامات اداره‌کننده آن‌ها در دستگاه ولایت است که به امنیت همه‌جانبه پایدار می‌رسند.
- ۹ - بنیان اجتماع متعالی و امن بر انسان خدا بنیاد و باایمان استوار است و تغییر در اجتماع منوط به تغییر در آحاد آن جامعه است.
- ۱۰ - اساس و زیربنای سامانه‌های بهره‌ور از امنیت و مجموعه‌های متولی امنیت بایستی بر پایه ایمان الهی شکل بگیرد. در غیر این صورت نیل به اهداف و مأموریت محوله ممکن نیست.
- ۱۱ - نیالوده شدن به ظلم و اعمال عدالت در همه ابعاد فردی و اجتماعی شرط برقراری امنیت و هدایت است.
- ۱۲ - در فلسفه سیاسی امنیت در انقلاب اسلامی مبنای عامل و عمل وی صدق می‌باشد لذا نهادهای عامل به این امر در همه ابعاد بایستی مشحون از پابندی به مبانی مکتب باشند.
- همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد انقلاب اسلامی از منظر نظری و فلسفه سیاسی امنیت از دیدگاه بدیعی منبعث از مکتب اسلام ناب محمدی برخوردار است. این آموزه‌های اساسی و متفاوت می‌تواند و بایستی به‌عنوان زیربنای تکامل نظام اسلامی و برقراری امنیت ایمان بنیان‌مورد توجه واقع شده و نهادهای اداره‌کننده نظام که رسالت تعالی انسانی و جامعه را بر عهده‌دارند بر این اساس سامان یابند. اکنون به‌واسطه عدم پرداختن به این مهم، ساختارهای اصلی امنیت ساز نظام عمدتاً با بهره‌گیری از الگوهای غربی که اصولاً قرابتی با نظام ارزشی انقلاب اسلامی ندارند. شکل یافته و لذا به همین علت از کارآمدی و قابلیت متناسب با نیازهای انقلاب و نظام اسلامی برخوردار نیستند. در واقع پس از گذشت ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی و در گام دوم پیشرفت انقلاب اسلامی برای نیل به تمدن اسلامی لازم است با بهره‌گیری از مبانی نظری و فلسفه سیاسی امنیت در انقلاب اسلامی، نسبت به استخراج اصول و شاخص‌های آن همت نموده و نسبت به برقراری امنیت بر این اساس مبادرت و با بهره‌گیری از آن در جهت ایجاد یک انقلاب ساختاری در مجموعه سامانه اداری نظام خصوصاً با بهره‌گیری از تجارب گرانسنگ دفاع مقدس و جبهه مقاومت که جوهره حرکت آن ایمان بود، مبادرت نمود. برای نیل بدین مقصود لازم است

پس از تعیین اصول اعمال ساختار سامانه اداری مرتبط با فلسفه سیاسی امنیت در مکتب امنیتی تهران، نسبت به ارائه الگوی بدیع سازماندهی سامانه‌های متولی امنیتی پایدار مردم‌نهاد اقدام گردد. و من ... التوفیق

### فهرست منابع

- "قرآن مجید"، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش
- "نهج البلاغه"، ترجمه سیدجعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۷۸
- "نهج البلاغه"، انتشارات هجرت قم، سال نشر ۱۴۱۴ هجری قمری
- "نهج الفصاحه"، کلمات قصار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، پدیدآورنده ابوالقاسم پانیره، نشر قم، انصاریان ۱۳۸۳
- امام خمینی (رحمت الله علیه)، روح... (۱۳۸۵)، "صحیفه نور"، جلد ۴، ۶، ۸، ۱۲، ۱۹، ۲۰ و ۲۱، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (رحمت الله علیه)
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سیدعلی (۱۳۹۴)، "حدیث ولایت"، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سیدعلی (۱۳۹۲)، "طرح کلی اندیشه اسلامی"

### الف- منابع فارسی و عربی:

- الحرائی، ابن شعبه، ابومحمد (۱۳۶۳)، "تحف العقول"، قم، موسسه النشر الاسلامی
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، "مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی (مجموعه مقالات)"، تهران، انتشارات، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، "مطالعات امنیتی نوین"، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، "مکتب امام خمینی (رحمت الله علیه)"، تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- دلاور، علی (۱۳۸۱)، "روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی"، تهران، نشر ویرایش
- دربلی، علی ابن عیسی (۱۳۸۱)، "کشف الغمه"، تهران، مکتب بنی‌هاشمی
- "شرح غررالحکم"، جلد ۴، تألیف عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شارح آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۸۴)



- طباطبایی، سیدحسین، "تفسیر المیزان"، جلد ۵، ۸، ۱۱، ۱۵ و ۲۰، (۱۳۶۳)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و سیدمحمدباقر موسوی همدانی قم، بنیاد فکر علامه طباطبایی (رحمت... علیه) با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا
- "عیون اخبار الرضا (علیه السلام)"، جلد ۹، شیخ صدوق، (۱۳۷۳)، تهران نشر صدوق
- طبرسی، "مجمع البیان"
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۰)، "صلاح پایدار"، ترجمه محمد صبوری، تهران، به باوران
- کلینی، "اصول کافی"، جلد ۱، (۱۳۶۵)، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه
- لک زایی (۱۳۸۹)، "امام خمینی (رحمت... علیه) و امنیت"، فصلنامه مطالعات راهبردی علمی - پژوهشی، پاییز، شماره ۳
- مجلسی، علامه، "بحار الانوار"، جلد ۲۴ و ۴۹، دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۱۵ هجری قمری)
- مطهری، مرتضی (۱۳۳۹)، "داستان راستان"، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، "جامعه و تاریخ"، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، "مجموعه آثار استاد شهید مطهری (اصول فلسفه و روش رئالیسم)"، جلد ۶، تهران، انتشارات صدرا
- هابز، توماس (۱۳۸۰)، "لویاتان"، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی

#### ب- منابع انگلیسی:

- Busan, Barry, Waverley Security (1998): A new Framework For analysis Boulder, co. Line Reiner.
- Cochrane, R; Nye, j (1977) Power Interdependence. Boston: little, Brown.
- Doyle, M. v (1986), Liberalism and word Politics, American political science Review, 80.
- Eschweiler, Randall L, David press (1997). A tale of two Realism. Expanding the Institution debate Morton international studies review 41, no 1.
- Nicholson, Michael (1998). "The Eighty years Crisis: International Relation 1919 - 1999. Doyle, M. (1986). Liberalism and word politics. American political science review, 80.
- Morgenthau, hones j. (1985). Politics Among Nation: the Struggle for power and peace, New York. Mc Grow Hill.
- Mc Sweeney, bill (1999) security studies today. Combridge.
- Morgan, Patrick. (2009) Liberalism, in A Collins led. Contemporary security, stadies. Oxford.

- Mortimer, David (2009) Critical security studies. A Schismatic History. Oxford.
- Wendell, A. (1999, spring), Anarchy is what state make of It: the social construction of power politics 49. No2.
- Waltz, K. (1964). Man, state. And war. New York: Columbia University.